

دل بشوق استکشاف اخبار بهجت آثار آندولت پایدار بال افشان گردیده و ضمیر هوش ربای بلبل شوق از شاخسار ضمیر بگوش زمزمه سروش رسیده لهذا در این اوقات مشحون بمسرات که حامل نامه موافقت ختامه میان ببندگی حضرت بسته و طریق مسارعت گشاده داشت خامه اشتیاق نیز بامداد مداد و داد بر اوراق این مراسله‌الوفاق مختصر مراسم شوقمندی را با طیب عبارات و احسن اشارات و اتم معانی و اخص الفاظ نگاشت و نقاب احتجاب از رخسار حسناى مدعا فرو گذاشت. بمیامن تأییدات آفریننده خورشید و ماه و بخواست دل مهرپرور آنخسرو کیوان پایگاه روزگار فرخنده آثار این دولت پایدار بکام و همه مهام ملکی و ملکی بر وفق مراد و مرام می‌باشد و اگر چه آلات و ادوات قهر و نکال عساکر روس بر وجه دلخواه میسر و مقدور گشته و سواران بهرام سوز و پیادگان آتش افروز سپاه ظفر همراه نیز بمقتضای غیرت و مبتغای حمیت چون شیران نر پلنگان کینه‌ور در دامن همت بر کمر زده مترصد و منتظر می‌باشند که مجرد آنکه اشاراتی اظهار شود اقدام بکار پیکار نمایند و با دم تیغهای تیز و خنجرهای خونریز و توپهای البرزکوب آیت رستخیز ظاهر و آشکار دارند، لیکن چون میان دولت دائمة‌القرار فرانسه و روس سازش و التیامی استقرار یافته و میان ایندولت علیه و دولت انگریز بنا بر دوستی دولتین فرانسه و ایران آتش دشمنی و عناد بالا کشیده و با اینمراتب اکنون کاوش با آنها اولی می‌نماید اولیا این دولت جاوید بنا حالی در مجادله با روسیه تأملی دارند تا بعدها که از طرف مستلزم‌الشرف آنخسرو انجم سپاه نظر بعهد نامه مهموره میانه دولتین خبری محقق رسد بآنچه آن خدیو نیکو نهاد و بنا و بنیاد گذاشته باشند از آقرار معمول دارند، بالجمله اکنون بمیامن اهتمام آن خسرو گردون احتشام رزم پیادگان مریخ انتقام فرانسه در عساکر ظفر شعار ایران انتشار یافته و از عالیجاهان صداقت آگاهان موسی لامی و موسی وردیه در اشاعه و تنظیم نظام مزبور جهد موفور به ظهور رسیده و یقین کامل حاصل است که اگر باز میان عساکرایندولت و سپاه روس درهای جنگ و جدال باز شده کار به پیکار انجامد در همان حمله اول از صدمت شیران حمله ور و هزیران پرخاشگر روسیه پریشان و مستاصل و گرفتار دام اجل گردند و اگر بنا بر شرط و عهد آن خسرو همایون مهد دشمنی ایران و روس بدوستی مبدل و کاوش با آنها بسازش محول گردید، مبارزان فیروزمند ایران را از کار جنگ با روسیه فراغی حاصل باشد باز آثار مهابت و مردانگی و شجاعت این لشگر در چنگ دیگر دشمنان دولتین ظاهر و جلوه‌گر خواهد شد و در هر حال خاطر آفتاب مظاهر آن عم فرخنده تأثر از حسن تجلد و داوری ایشان به اتم وجود خشنود خواهد گشت و صداقت آگاهان زبده‌الاقربان موسی لامی و موسی وردیه و سه نفر وکیلان که همه کردار ایشان در این مدت مقرون به صواب و موافق خاطر اولیاء ایندولت ابد انتساب بوده

مورد نوازش آنخسرو کامیاب و به منصبی تازه مخصوص خواهد شد. تمنا دارد از رشح سحاب قلم عطوفت رقم بوستان آمال دوستان را تازه و خرم سازند تا تیر و ناهید و ماه و خورشید درخشان است اختر دولت از مطلع کامرانی درخشان باد.»<sup>(۱)</sup> سند شماره ۹۱

### نامه فتحعلیشاه به ناپلئون

چندانکه سفینه گردون گردان لنگر افکن بحار عالم امکان و سواحل مستقیمه المراحل دوران دارالقرار کشتی نشینان جهان کون و مکان است سفاین وجود معرکه آرای عرصه شهامت و هنگامه سرای مضممار بسالت، ناظم منازم ملک و مملکت، متمم امور شوکت و دولت، جوهر شمشیر جلادت و خصم افکنی، عنوان جریده دانشمندی و فرزانی، لنگر کشتی عزت اقبال، ناخادی دریای حشمت و جلال، زبده دانش پژوهان عدالت گستر، عمده خردمندان ملک پرور، مقوم قوایم محبت ابد تأسیس بونی فارت و سرهنگان جلیل الشان ممالک فصیح المسالک فرانسیس شیدالله ارکان جلالهم از امتعه کامیابی و حصول مرام گران بار و از تراکم تهاجم امواج حادثات برکنار باد. بعد از تأکید مبانی ایتلاف و استیناس بر مرآت خاطر مهر اقتباس عکس پیرا میسازد که چون فرمانفرمای ملک روس رسم تودو مصافات را که در صحیفه عوام امکان نقشی شریف تر از آن مندرج نیست نسبت بسلاطین اکثری از ممالک متروک و بعدم صواب اندیشی و ملاحظه وخامت عاقبت طریق معاندت و مشاجرت را با هریک از فرمانروایان ولایات قرب جوار مسلوک داشته و درین سال باندیشه آنکه ایدی تطاول بسر حدات ممالک ایران دراز و ابواب استیلا در این حدود بر چهره خود باز دارد غافل از اینکه صعوه را در آشیانه شاهباز آغاز تمکن ممتنع الوقوع و آسایش غزال در کنار شیرزیان مستغرب و ممنوع است سپهبدی را با معادل چهار هزار لشکر و دوست عراده توپ و آلات حرب بتملیک ولایات ایروان که از ملحقات مملکت آذربایجان و از ولایات مضبوطه سرکار خلافت بنیان است مأمور ولوای عزیمت بجانب این ثغور افروخته اند، چون صورت این وقایع در آئینه ظهور انطباق پذیرد و مسموع سمع کار پردازان دولت عدالت سمیر گردید که سپهبد مذکور با جنود خویش آغاز مداخلت در این حدود نموده و ابواب تطاول و دراز دستی بر چهره حال اهالی آنجا گشوده است مواکب قیامت آشوب و الویه نصرت اسلوب بدون اینکه با اجتماع مجامع لشکر ممالک پادشاهی پردازد و یا سرهنگان و جنگجویان ولایات محروسه خسروانی را قرین آگاهی



سازد با اجناد فتح اعتیاد که در رکاب مستطاب مستعد و موجود بودند بمدافعه و منازعه آن طایفه ضاله عزیمت پیراگشتند، در زمان تقارب فئین و تقابل جانبین نواثر جدال اشتغال پذیرفته عساکر بهرام کین و جنود ظفر آئین با تیغ و صمصام جان ستان و سنان و خنجر خونفشان بر لشکر روس متهاجم و حمله‌ور و از زمان طلوع نیز جهان افروز تا هنگام افول و غروب در آنروز بسفک دماء و قطع اعضاء و بریدن رؤس و دریدن صدور و قمع و بنیان هستی آن گروه ضلالت دستور قیام و اقدام نموده مساوی دوازده هزار نفر از معاندین مزبورین را روانه عدم و خاک معرکه را با خون ایشان آغشته و توأم ساخته اکثری از توپخانه و ادوات طعن و ضرب ایشان متصرف فیہ لشکر تصرف توأمان گردید، سپهبد مذکور با بقیة السیف عساکر خود چون خویش را مستغرق بحر بلا و فنا مشاهده و نایره سطوت و صلابت غازیان فیروز را جهانسوز ملاحظه نمودند از معرکه گیرودار فرار و گریزان روی بجانب دیار ادبار خود نهادند و عساگر نصرت متظاهر تا حدود گرجستان علی‌التعاقب بقتل آن گروه پرداخته و ساحات این سرحدات را از لوٹ وجود ایشان پاک و مصفی ساختند و مواکب جهانگشا از فضل ایزد بیهمتا ظفرمند و نصرت اندوز بمستقر خلافت کبری منصرف گردید.

از اینکه عسکر روس در حدود مملکت محروسه سلطانی دست هدم و ویرانی گشوده‌اند و پیشنهاد همت آسمان نهمت آن است که سنه آتیه با لشکری انجم احتشام و معشری مالاکلام بعزم تلافی و انتقام بجانب ملک روس انتهاض و ولایات قزلب و آن نواحی را عرصه قتل و تاراج ساخته الولیه و استیلا و استعلا در آنحدود برافرازیم و فرمان فرمای ملک مزبور از قراریکه از مطلعین و مترددین استماع می‌افتد باهالی مملکت فرانسیس در مقام ستیزه جوئی و عناد و منازع و جدال‌انگیز با آندولت قوی بنیاد می‌باشد و مکنون خاطر اشرف آن است که بنیان اتحاد و موافقت بین‌الدولتین قرین استدامت و استقرار و این رسم الفت و مواحدت مؤید و مخلد بین‌الجانبین مستحکم و برقرار باشد. بناء علی‌هذا المراتب رقم نگار خامه التفات ختامه می‌گردد که در فصل بهار که موکب جهانگشا و اعلام آسمان فرسا بجانب مملکت روس نهضت پیرا می‌گردد آن مؤسس اساس دولت و حکمرانی نیز از طرفی که معبر و مسلک عسکر مملکت فرانسیس است لشکری گران و سپاهی بیکران تعیین و عازم آن سرزمین سازند که از اینجانب جنود انجم حشر پادشاهی و از آنطرف اخبار ظفرپرور آن مملکت پناهی آغاز مداخلت بملک روس نموده کوس و نای رعد آوای کینه خواهی و انتقام را در ساحات آن صفحات بلند آوا و فتنه جویان آن دیار را قرین انواع استهلاک و فنا سازیم و بطریقی که باید و شاید بانهدام و انعدام آن مملکت پردازیم که بعد از این در اعوام عدیده فرمان فرمای آنجا باینگونه اعمال ناپسندیده جسارت پیرا نگرود و قدم از مراحل که پایه و مراتب اوست خارج

نگذارد شرایط و مراسم ایّتلاف و موآلفت و ضوابط قواعد استیناس و مرابطت مقتضی و مستلزم آن است که همه اوقات بمقالید مکاتیب مودت اصالت دوستانه ابواب مصافات و موالات را در میانه باز و تقدیم رسوم موافقت و مطابقت را آغاز نموده بدستگیری خامه موآلفت نگار مطالب و مهمات را بر صفایح ابزار و اظهار موضوع و مشروح سازند. باقی روزگار حکمرانی بر وفق آمال و امانی باد. (۱) سند شماره ۹۲

### نامه عباس میرزا ولیعهد به ناپلئون

«متعالی از ادراک عقول و منزّه از دریافت اندیشه و اوقام ذات قدس مالک الملکی است یگانه عظم شأنه و [- ] برهانه که اقتضای حکمت بالغه و استدعای عنایت سابقه گوهر گرانمایه وجود شهریاران بلند پایه بحر ابداع و لجه اختراع بساحل شهود آورده واسطه عقد جمعیت امم و رابطه تضد فراید افراد بنی آدم بود و آفتاب ذات سایه گستر ایشانرا در سایه ذات آفتاب پرور خویش چون گوهر در صدف و اختر در شرف پرورد و از موافقت ایشان ابواب امن و امان بر چهره جهان و جهانیان گشود. غبار فتنه و آشوب از روی عالم سفلی که منبع تباین و اضداد است بآب تیغ صولتشان فرو نشانید و گلهای خیر و صلاح از شوره زار جهان که نبت شر و فناست باهتر از صباء معدلتشان بردمانید. نهانخانه اسماء و صفاتش راه خیال بسته و بر دامن پرده جلالش گرد زوال ننشسته. مبدع مبادی وجود، مخترع ذات وجود.

خداوند کیهان و گردان سپهر

فرورنده ماه و ناهید و مهر

نیاز بزرگان گردن فراز

ز گردن فرازان همه بی نیاز

و درود و آفرین فراوان بر روان پاک و گوهر تابناک تاجداران اقلیم ینش و شهریاران کشور آفرینش، پیغمبران راهنما، راهنمایان گره گشا، تا ماه و خورشید بر فلک تابان و تیر و کیوان فروزانست باد، و بعد لائی متلالی دعوات صافیه که گوش شاهد و داد را به نیکوترین وجهی آراید و روایح تحیات وافیه که مفرح دماغ موافقت و صفا آید تحفه بزم ارم نظم پادشاه کیوان گاه فرقد قدر گردون صدر بهرام رزم ناهید بزم خورشید افسر ستاره لشکر دشمن مال فرخنده مال، فروزان بدر سماء سماحت و شهرباری درخشان گوهر بحر جلال و تاجداری فرازنده و رایب شهامت و دلیری برازنده اورنگ سلطنت و جهانگیری پایه ده دست جلال، پای نه مسند اقبال، زینت بخش تاج و

*[Handwritten text in a script, likely Persian or Arabic, with significant damage and ink bleed-through. The text is mostly illegible but appears to be a historical or literary document.]*

تخت فرخنده بخت مظهر قدرت یزدانی رکن مشید جهانبانی لازالت رایات عزایمه بر یاح الظفر منشوره و ریاض ممالکه بسجال الافضال مغموره ساخته صورت دعا را بر آئینه رای ملک آرا منطبع و مرتسم می‌دارد که از دیرباز تاکنون که روزگاری دراز است در هیچگاه میانه فرمانروایان ممالک ایران و فرنگیس امری مخالف رسوم و داد روی ننموده و درین عهد فیروز مهد که خاتم دارائی ایران برکف دریاف کفایت اعلیحضرت پادشاه جمشید جاه سلیمان احتشام کیخسرو مقال فریدون مرتبت سکندر نگین شهریار بهمن وقار سایه رحمت کردگار شاه بابام اعلی‌الله لوائه دولته مفوض و زمام مهام فرمانروائی فرنگیس بآن برازنده تاج و نگین مسلم گردیده روز بروز بر موافقت جانبین افزوده است و با آنکه در این سنوات کارگزاران دولت انگلیس از آمد و شد ایلچیان با اولیای اینحضرت اساس الفتی تأسیس کردند که شاید باین تلبیس رخنه در ارکان موافقت دولتین ایران و فرنگیس حاصل آید باز ازطرف مستلزم الشرف اولیاء دولت علیه رعایت شرایط مواحدت با آن شوکت بهیه مرعی و مرجع افتاده بلکه در این اوان که خصومت میانه کارگزاران دولت روس و کارفرمایان این شوکت ابد مانوس بوقوع پیوست بحکم آنکه دوست دشمن دشمن و دشمن دشمن دوست است دشمنی امنای این دولت با روس و دوستی کارگزاران انگلیس با آنگروه منحوس باعث مزید اعتماد امنای این شوکت بدوستی و دادکارپردازان آندولت گردید و انشاءالله الرحمن فواید این یکرنگی و مواحدت روز بروز بر مملکتین عاید خواهد شد و چون در این اوقات فیروزی علامات بمسامع اولیاء حضرت بهیه رسید که امنای آندولت لشکرهای جرار بممالک روس کشیده و برخی از ولایات آنجا را بقهر و غلبه متصرف گردیده‌اند از استماع این خبر بهجت اثر خاطر مهرپرور باقصری الغایه مسرور و مستبشر شد و بمقتضای مودت جانبین صورت اینمعنی بر صحیفه ضمیر نقش پذیر آمد که غرض کارفرمایان آندولت از این لشکر کشی و دشمن کشی ادای شرایط دوستی باینطرف بوده است و اگر چه از طرف کارگزاران آندولت نوید این فتح نامدار باولیاء دولت جاوید قرار اظهار نشده بود لیکن تقدیم مراسم تهنیت را بترسیم این صحیفه الودادپرداخت و روانه دربار شوکتمدار ساخت بحمدالله والمنه چنانکه از آنطرف لازمه قتل و غارت درباره دشمنان دولتین بعمل آمد در این ایام ظفر فرجام که اشپخدر سردار لشکر روس غافل از آنکه سر خود را بر سودای تعرض خواهد نهاد با گروهی انبوه از طرف خشکی و جمعیتی بینهایت نیز با کشتیها از روی آب آهنگ ستیز و از جانب بحر و بر آتش شور و شر تیز کردند از این طرف نیز دلاوران ضرغام صولت بسان سیل دمان و قضای ناگهان بجانب ایشان روان گردید و از حصول تلاقی که رایت جلال افراخته و آتش قتال افروخته بر ساحل بحر نهری از خون روان و بر روی هامون از کشتیها پشتها نمایان. اشپخدر با گروه

بیحد و معرض تیغ آبدار مبارزان شیرشکار و جمعی کثیر نیز گرفتار قید اساس و بقیه السیف قرین خذلان و خسار، از روی بحر پی سپر طریق فرار گشتند و بغیر معدودی از ایشان که راه گریز بر ایشان بسته و محافظت جان را در حصار گنجه و تفلیس نشسته‌اند دیگر نشانی از ایشان در اینحدود و سامان نیست و نظر باینکه عساکر منصوره آندولت حال نیز در ولایات روس متوقف و مترصد ستیز و آویزند و مبارزان خصم انداز ازینطرف نیز در این سرحدات با تیغهای آخته رایت کینه جوئی افزاشته‌اند سزاوار آن است که اولیای آندولت در تصمیم عزیمتی که تصمیم خاطر کرده‌اند کوشیده کار دشمنان را ساخته و خاطر از مهم ایشان پرداخته دارند و هرگونه امری که انجام آنرا در عهده اهتمام کارپردازان ایندولت جاوید فرجام مناسب دانند رجوع فرمایند که ازینطرف بهیچوجه مانع و عایقی در شروع بکار پیکار نیست و چون اینمعنی نیز سامعه افروز اولیاء اینحضرت گردید که درین اوقات که کارگزاران آنشوکت رایت عزیمت بولایات روس افزاشته و ایشانرا از تعرض سرحدات ممالک ایران ممنوع داشته بودند جواب ایشان این بوده است که ممالک گنجه و گرجستان راز اولاد ارکلی خان والی گرجستان و جوادخان حاکم گنجه خریده و بدانجهت متعرض گردیده‌اند، اولاً اینکه طایفه مزبوره خلاف واقع و محض تهمت و مخالف قانون رای و رؤیت است و بر فرض وقوع بر هر صاحب بصیرت بدیهه عقل روشن و مبرهن است که مباحه ملک با مالک است نه با زارع و دشتبان و اختیار گله با صاحب است نه با شبان و قطع نظر ازاین مراتب هر بیعی را بهائی لازم و سزا و بر همه دور و نزدیک ظاهر و هویداست که بهائی که در ازاء این معامله ادعائی باولاد ارکلی خان از جام قهرایشان شربت زهر چشیده و جواد خان حاکم گنجه از تیغ بیدادشان ساغر مرگ کشیده و بقیه اولاد ایشان برخی در ولایات روس محبوس و بعضی دیگر از خانه و وطن و محل و مسکن نومید و مأیوس معتکف این آستان شرکت مانوس‌اند.

اگر چه بعنایت الله و تأییده تیغ ستم سوز و خنجر برق افروز دلاوران فیروز در طی این دعوی برهانی قاطع و آیتی ساطع است و عنقریب جواب ادعای باطل و افترای بیحاصل ایشانرا خواهد داد اما تمنا آنست که کارفرمایان آن دولت بملاحظه موآنست جانبین کیفیت این افترا و بطلان این ادعا را بر پیشکاران هریک از سلاطین سکندر تمکین ممالک فرنگ که با امناء آن دولت رابطه دوستی و الفت داشته باشند مکشوف دارند تا اولیاء اینحضرت در تلافی اعمال ایشان نزد فرمانفرمایان آفاق بهمت ستیزه جوئی و نفاق و شکستن عهد ایتلاف و تجاوز از سنن اسلاف که مخالف سیر و سلوک دادگستری و منافی رسم و آیین شهریاران عدل پرور است منسوب نگردیده معلوم همگنان آید که مبادرت بخلاف از طرف ایشان بوده است و هرگاه امناء آن دولت را ممکن شود که در این باب از



کارگزاران شهریاران با فرهنگ ممالک فرنگ که با ایشان الفتی دارند حتی مسجل ممهور مبنی بر بطلان حجت ایشان صادر نموده ارسال نمایند نهایت محبت و وداد و غایت یکرنگی و اتحاد خواهد بود. ترقب از مخایل صفات و محامد اخلاق خسروانه چنان است که همه اوقات از بهارستان مودت و موالدت رایحه بخش دماغ موافقت و مصادقت بود. از رشحه‌فشانی نیشان خامه دولتی ختامه طراوت افزای بوستان مطابقت ولاگردند و ترسیل رسل وسایل دوستانه مشید به مبانی یگانگی و وداد و مشدد ارکان یکرنگی و اتحاد گردیده بنای موانست را محکم فرمایند باقی پیوسته اعادی دولت جاوید مدت متهور درایت فیروزی آیت در معارک دشمن کشی مظفر و منصور باد»<sup>(۱)</sup>

سند شماره ۹۳

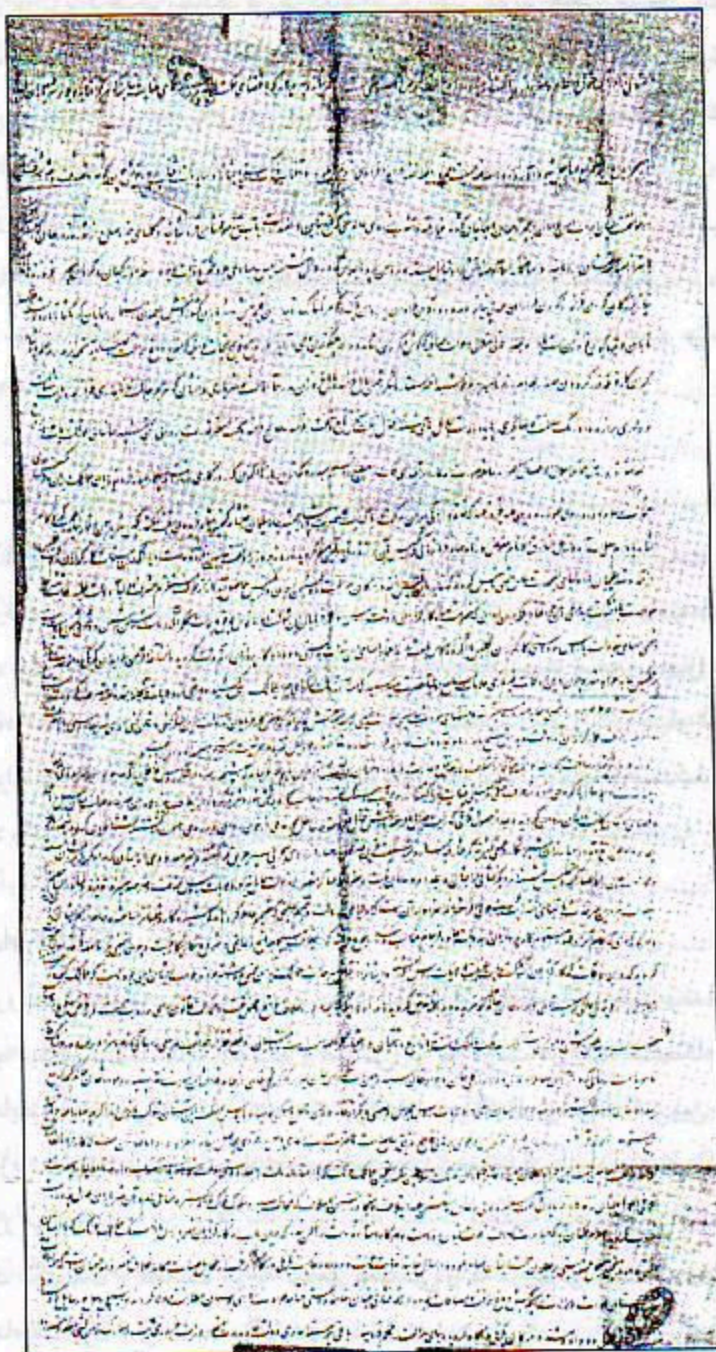
### قرارداد ۱۹۱۹

یکی از وقایعی که در ایندوره باعث عدم رضایت روشنفکران و تشکیل اتحادیه‌ها و انجمن‌های مخفی بر ضد حکومت وقت و پیدایش قیامها از جمله قیام خیابانی در تبریز و میرزا کوچک‌خان در شمال گردیده، انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ است که امور مالی و نظامی ایران را در اختیار انگلیس‌ها قرار می‌داد. این قرارداد مورد موافقت وثوق‌الدوله رئیس‌الوزراء وقت بود ولی احمدشاه از امضاء آن خودداری کرد و در نتیجه سلطنت را از دست داد.

### مواد قرارداد ۱۹۱۹

«نظر به روابط محکم دوستی که از قدیم بین دولتین ایران و انگلیس موجود بوده است و نظر به اعتقاد کامل به اینکه مسلماً منافع مشترک و اساسی هر دو دولت در آینده استحکام این روابط را ایجاب می‌نماید و از آنجائیکه ترقی و سعادت ایران باید بحد کمال پیشرفت کند بین دولت ایران از یکطرف و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه بریتانیای کبیر بنمایندگی از دولت خود از طرف دیگر مواد ذیل مقرر می‌شود:

۱- دولت انگلستان با قطعیت هرچه تمامتر تعهداتی را که در سابق نسبت به احترام مطلق از استقلال و تمامیت ایران نموده است تکرار می‌نماید.



سند شماره ۹۳ - نامه عباس میرزا به ناپلئون

۲- انگلستان بخرج دولت ایران خدمت مستشاران متخصص را که جهت قسمت‌های تابعه ادارات ایرانی لازم تمیز داده شود پس از مشورت با دولت ایران فراهم خواهد ساخت. این مستشاران بنا بر قرارداد استخدام شده و بایشان اختیارات کافی اعطا خواهد شد. کیفیت این اختیارات بسته بتوافق بین دولت ایران و مستشاران خواهد بود.

۳- دولت انگلستان به هزینه دولت ایران تعداد صاحب‌منصبان و مقدار ذخایر و مهمات نوع جدیدی را که لزوم و کفایت آن توسط یک کمیسیون مختلط از متخصصین نظامی ایران و انگلیس تصدیق شود در اختیار دولت ایران خواهد گذاشت. این کمیسیون که فوری جمع خواهند شد به منظور تخمین احتیاجات قشون متحدالشکلی است که دولت ایران در نظر دارد جهت استقرار و حفظ نظم در داخله کشور و سرحدات آن تشکیل دهد.

۴- دولت انگلستان برای تهیه وسائل نقدی اصلاحات مذکور در مواد ۲ و ۳ این قرارداد پیشنهاد تهیه یا ترتیب انجام قرضه کافی را بدولت ایران می‌نماید و تضمین مناسب آن توسط دولتین در مطالعه عوائد گمرکی یا منابع دیگری که در دسترس دولت ایران باشد جستجو خواهد شد. در مدت تکمیل مذاکرات این وام دولت انگلستان از بابت آن بطور مساعده وجوه لازم برای شروع اصلاحات مذکور خواهد پرداخت.

۵- دولت انگلستان با تصدیق کامل به احتیاج مبرمی که دولت ایران برای توسعه وسائل حمل و نقل هم برای پیشرفت بازرگانی و هم جهت جلوگیری از قحطی دارا می‌باشد حاضر است بمنظور تشویق اقدامات مشترک ایران و انگلیس با دولت ایران در زمینه ساختمان راه آهن یا انواع دیگر حمل و نقل همکاری نماید، ولی همیشه مشروط است بر آنکه مسائل مربوط توسط متخصصین مطالعه شده و مورد موافقت دولتین قرار گیرد تا طرحهایی که لازم‌تر یا سهل‌تر و مفیدتر باشد اجرا شود.

۶- دولتین موافقت می‌نمایند که فوری هیئت مختلط متخصصین برای مطالعه و تجدید نظر در تعرفه گمرکی موجود تعیین شود تا مجدداً تنظیم آن بر پایه حفظ منافع حقه کشور و سعادت آن استوار گردد.»

در تهران در تاریخ ۹ اوت ۱۹۱۹ به امضاء رسیده<sup>(۱)</sup>

## قرارداد ۱۹۱۹

این قرارداد شامل شش ماده و یک مقدمه بوده که طبق آن امور مالی و ارتش ایران به انگلیس‌ها سپرده می‌شد و نفوذ آنها در اداره مملکت بیش از حد می‌گردید.

در نتیجه این قرارداد، مالیه و قشون ایران تحت نظر مدیران و فرماندهان انگلیسی قرار می‌گرفت و بهمین جهت، ارمیاز اسمیت برای اداره امور مالی ایران و ژنرال دیکسن برای اداره قشون به ایران فرستاده شدند.

بعد از انتشار قرارداد، تحریکات شدیدی بر علیه و ثوق الدوله عاقد آن و مخالفت‌هایی بر علیه حکومت وقت بوقوع پیوست.

آزادیخواهان که مخالف قرارداد بودند، ضمن انتشار شب نامه‌هایی بر علیه حکومت مقالاتی می‌نوشتند احمد شاه نیز از آنها حمایت می‌کرد چون او نیز مخالف و از امضاء قرارداد خودداری کرده بود.

دولت انگلستان از شاه و و ثوق الدوله و نصرت الدوله دعوت کرد که به آن کشور مسافرت نمایند شاید با مذاکره و توضیحات لازم، احمدشاه را به امضاء قرارداد راضی کنند ولی در میهمانی رسمی پس از نطق شاه انگلیس در خصوص فواید قرارداد، شاه ایران ضمن سخنرانی خود قرارداد را تأیید نکرد و گفت:

«مملکت من کشوری است دموکراسی باید این قرارداد به مجلس شورای ملی ارجاع شود و به صحنه برسد»

بعد از این اظهارات ناصرالملک که یکی از همراهان بود پس از ختم جلسه به احمدشاه گفت کار خود را خراب کردی مخالفت احمدشاه با قرارداد منجر به خلع او از سلطنت و انقراض سلسله قاجار گردید.

پس از انتشار قرارداد در آذربایجان و جنوب و شمال ایران مردم به مخالفت پرداختند. در گیلان و مازندران میرزا کوچک خان در تبریز خیابانی، چاه کوماهی و تنگستانیها در جنوب بر علیه حکومت قیام کردند.

خیابانی در آذربایجان قیام کرد و خیال مجزا کردن این ناحیه را از ایران داشت و آنجا را آزادیستان نام نهاد و شش ماه این ناحیه را در اختیار داشت و عاقبت بدست عوامل حکومت مرکزی به قتل رسید.

میرزا کوچک خان در سال ۱۹۱۷ کمیته‌ای بنام اتحاد اسلام در حوالی طالش تشکیل داد و بر

علیه قرارداد ۱۹۱۹ مشغول فعالیت گردید و به مخالفت پرداخت و حزبی به نام حزب جنگل دایر و روزنامه‌ای بهمین نام منتشر کرد هدف او اخراج بیگانگان از ایران و جلوگیری از نفوذ آنها بوده است. از طرف حکومت مرکزی اعلامیه زیر صادر گردید:

«هرخانه‌ای که در آن جنگلی‌ها منزل کنند سوزانیده می‌شود و صاحبش تنبیه خواهد شد، افرادی که برای جنگلیها آذوقه تهیه کنند و یا کمکی به آنها بنمایند فوراً اعدام و دارائی‌شان ضبط می‌شود.»

دولت روسیه از موقعیت استفاده کرد و سپاهیان خود را به شمال ایران فرستاد و شهر رشت را متصرف شد. جنگلیها با آنها همراه شدند و حکومت جمهوری اعلام کردند. میرزا کوچک‌خان متوجه شد که کار از دست او خارج شده و به دست انقلابیون روس افتاده است بهمین جهت از آنها جدا شد و به فومن رفت.

استقرار سلطی فرمانده قوای قزاق که از افسران تزاری و مامور خدمت در ایران بود بدستور حکومت مرکزی قشون روس را از رشت بیرون کرد و در نتیجه قیام میرزا کوچک‌خان به نتیجه نرسید. (۱)

سواران	مال اندل	شماره ۳۳۵
تبریز - خابیز مکانگاه استواران بایستون در رشت جبل	<b>جنگل</b> ۳۳۵	جای اداره تبریز - خابیز مکانگاه استواران بایستون در رشت جبل
تبریز - خابیز مکانگاه استواران بایستون در رشت جبل	تبریز - خابیز مکانگاه استواران بایستون در رشت جبل	تبریز - خابیز مکانگاه استواران بایستون در رشت جبل

این روزنامه فقط خابیز و تبریز و افسران و متواران است

این روزنامه در تبریز  
میرزا کوچک‌خان  
تبریز - خابیز  
مکانگاه استواران  
بایستون در رشت  
جبل

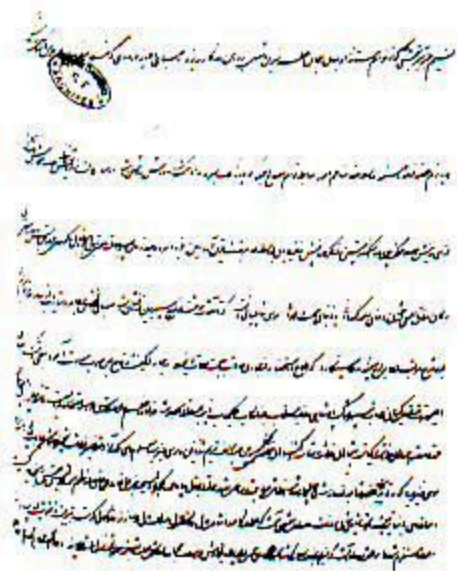
سر کلیشه و قسمتی از يك شماره روزنامه جنگل

### نامه میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا به شامپاینی

«نسیم عنبرآمیز تحتی که از خرام مستانه او جهان، جهان عطر نسرين بر دامن روزگارریزد و صبای دلاویز درودی که هنگام خرام او خرمن لاله و گل بر دامنش آویزد. هدیه بزم حضور فرخنده دستور واسطه عقد مناظم امور و واسطه قوام مصالح جمهور که دیده فلک به سرمه مداد مشگ اندودش روشن است و رخسار دولت از آرامش ما شطه کلک سحرش رشگ گلشن، از رای زرینش حدود مملکت چون سد سکندر متین و از فکر دورینش رخنه جویان بواسطه عدم قدرت قرین آه و آمین. فرید دهر و وحید زمان سپهر جلالت را مهری تابان و بحر اقبال را گوهری فروزان بستان و قافرا سروی روان و کان و فاق را لعلی درخشان.

دانای رموز نکته دانی بانی بنای محبت و مهربانی، موسی شامپاینی است که تا آفتاب درخشنده از اوج سپهر برین نورافشان است صهبای دولتش در جام و نشاء یاب از مدام بر مراد و مرام باد بعد از شرح مراتب دعا بر لوح صحیفه مدعا می نگارد که اطلاع و استحضار از مجاری حالات بهجت علامات این حدود و اخبار از کیفیت وقایع این صوب سعادت آموز به نهجی است که در نامه های اعلیحضرت قدر قدرت کیوان مهابت سپهر شوکت پادشاهی نواب مستطاب جوزا رکاب فلک حساب شاهزاده اعظم و مراسله دوستی مواصله معتمدالدوله العلیه و تقریر عالیجنابان رفیع جایگاهان، عزت و سعادت همراهان، فراست و کیاست انتباهان فطانت و متانت اکتناهان، میرزا یوسف مریم زوانین و موسیو ونروسیا معلوم رای ملک آرا و مشهود ضمیر فکانت شهیر خواهد شد و در باب عالیجاه عزت همراه موسیو ونروسیا که مدتی مدید می باشد خصوصاً بعد از روانه شدن عالیجاه شهامت و فطانت همراه مجدت و مناعت انتباه دولت و اقبال پناه عمده الکبراء المسیحیه جنرال غاردان خان در نظم امور دولتین علیتین رنجهای دیده و کشیده و مرارتهای بی نهایت چشیده است، شایان شان وزارت و صدارت، مقتضی است که الطاف کامله را شامل حال و کامل حال صداقت مال او سازند و از کمال مکرمت به ترتیب و تقویت او پردازند.

همواره مستلزم شروط موافقت و داد آنست که من بعد بخلاف اوقات گذشته گاهگاه دوستان محبت بنیاد را یاد و بنگارش مراسلات مجبانه و به سفارش مهمات اتفاقیه دل مرافقت منزل را شاد فرمایند. باقی ایام خجسته فرجام بکام باد. (۱) سند شماره ۹۴



سند شماره ۹۴ - نامه میرزا بزرگ وزیر عباس میرزا به وزیر خارجه فرانسه

### نامه فتحعلیشاه به ناپلئون

«خداوندی را بنده ایم و کردگاری را پرستنده که بی سزا نبخشد و سزائی هم او بخشد، گل از گل آرد و مهر از دل. آرایش بوستان از چهره گلها دهد و آسایش دوستان از مهر دلها بلبلان را با هزار دستان در پیشگاه دستان شاخ کاشف اسرار باغ سازد و بریدان را بی هیچ دستان و لاغ از پی داستان همدستی دوستان واسطه ابلاغ و پس از نیایش یزدان پاک درود ما بر پیام آوران نیکو نهاد و رهبران مبدء و معاد و از آن پس سلامتی دوستانه و تحیتی بیکرانه نثار انجمن حضور آفتاب ظهور آن مهین خسرو یگانه، شهریار کامکار نامدار، خدیو جود گستر عدل شعار، کرم پرور بیدریغ، خداوند نگین و تیغ، نیروی دست جهانگیری، قوت بازوی دلیری، همایون نوای نای ملکستانی و کشورگشائی، برتر آوازه صیت گیتی خدائی، پادشاه ذیجاء سیهر دستگاه، برادر معظم مکرم امپراطور اعظم اکرم، شهریار ممالک فرانسه و ایتالیا، لازال رایات اقباله، معروفه بالعهز و التصر و قصور اجلاله مصروفه عن الکسر والقصر ساخته مکشوف رأی ملک مهر ضیای گرامی می دارد که نامهای دوستانه آن برادر نامدار یگانه در فرخ‌ترین اوان و نیکوترین زمان بدیده یکجتهی و دوستی ملحوظ و از شهود و

مضامین محبت آئینش که حاکی فتوحات عظیمه برای اولیای خجسته دولت قویم بوده و بغایت مبتهج و محظوظ گشته و وضوح مراتب یکجهتی و هواخواهی ما از آن گذشته است که اکنون حاجت شرح و بیان و ذکر و اعلان باشد. برآن برادر معظم اینمعنی پیدا و معلوم شده است مکرر نامه‌های دوستانه بهمراهی سفرای فرزانه فرستاده مکنون خاطر خود را در مجاری مهمات یکجهتی و دوستی بر رأی مودت آرای آن برادر مکرم شرح داده‌ایم و از قراری که این نوبت نامه مکرم آن برادر معظم رسید و از مقصد و مدعای دوستانه، حاوی اشعار و اظهاری نبود چنین نمود که مقاصد و ضمائر ما بر آن خجسته برادر چنانچه مقصود و مراد خاطر دوستی اثر بود هنوز آشکار و ظاهر نگردیده است بنابراین عالیجاه رفیعجایگاه فطانت و درایت اکتناه صداقت و راستی انتباه عمدۀالاشباه موسی ژوآئین را که در اوقات توقف در این حدود در خدمات دوستی و یکجهتی این دو دولت مسعود لازمه کوشش و جهد کرده بود در تفصیل ضمائر و مکنونات خاطر ما آگاهی بهم‌رسانده روانه خدمت حضرت سپهر بسطت ایمپراطوری نموده بدین نامه دوستی ختامه نیز محرک سلسله یکجهتی و یگانگی کدیم مشارالیه بعد از شرفیابی دریافت حضور ساطع النور آن فرخنده برادر کامکار نظر بکمال اطلاع و استحضاری که دارد تمامی مهم و امور و جمله مقاصد و مطالب نزدیک و دور را چنانچه باید و شاید حالی و معلوم رای یکجهتی اقتضای آن طراز بخش اورنگ ایمپراطوری نماید و چنانچه خاطر دوستی ذخایر ما خواهان و طالب مقتضیات یکجهتی و دوستی آن برادر والاگهر می‌باشد از آن جانب نیز آن همایون برادر در مقام اقدام بر شروط و ایفای عهد یگانگی بوده رسوم معاهدات دوستانه را مهمل نگذاشته حال که بمراد هواخواهان عایقی و مانعی برای آن برادر گرامی نیست در اتمام مقصود و معهود اتمامی داشته باشد.

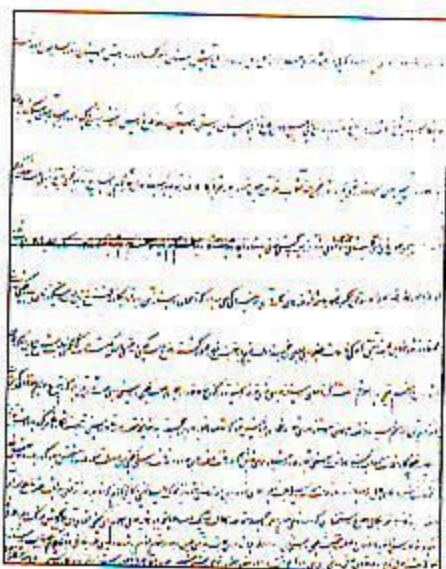
همه روزه منتظر وصول نامه‌های دوستانه از آن برادر یگانه می‌باشیم. باقی ایام سلطنت ایمپراطوری مستدام و بر دوام باد. سند شماره ۹۵

محل مهر فتحعلیشاه

### نامه فتحعلیشاه به ناپلئون

«نخستین ذکری که ما یكدلان را سزاوار است سپاس خداوندیست یگانه جل و تعالی شانه که ما را توفیق یکجهتی از دیوان قدرت اوست و شخص یگانگی در ظل وحدت او همه را کفیل است و هونعم الوکیل و از آن پس درود بر پیام آوران و راهبران که از کثرت خویش بر وحدت حضرت او دلیند و با اختلاف شرایع و کتب راهنمای یک سبیل و بعد سلامی که مخزن دوستی را رخشان





سند شماره ۹۵ - نامه فتحعلیشاه به ناپلئون

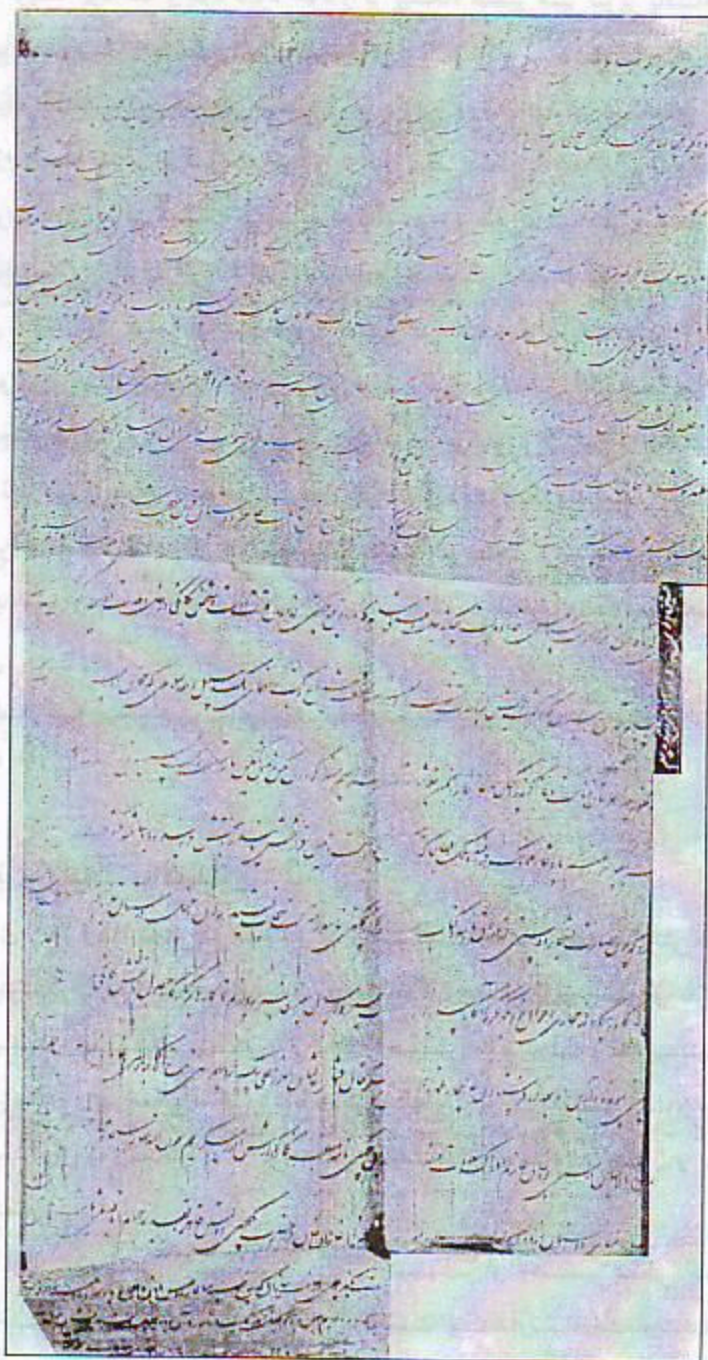
گوهر است و سپهر یکجتهی را تابان اختر و دعائی که کلفونۀ چهرۀ خلوتیان تمناست و غازه‌گونه پیردگیان مدعا نثار انجمن خلد اثر شهریار مهر نظر سپهر منظر گردون مکن زمین تمکین مایه عقل و پیرایه تاج و تخت موج بحراجلال، اوج چرخ اقبال، خدیو اکرم افخم ایمپراطور اعظم پادشاه ممالک فرانسه و ملک ایتالیا که تا فلک را مداراست و زمین را قرار تختش پاینده و بختش فزاینده باد ساخته مکشوب رأی مهر ضیاء مشهود ضمیر موافقت پیشه، می‌دارد که چون نضارت اشجار دوستی از اوراق نامه و کتاب است و در گلزار یکجتهی خامه را منزلت سحاب، تشیید رسولان در محفل دوستان تعزید بلبلان و ساحت بوستان است و سزاوار ما یکدلان چنان که گاه و بیگاه از مجای احوال خود یکدیگر را آگاه سازیم و بتحریر مکنونات ضمیر و ارسال سفیری خیر پردازیم تا کارها بر کارگاه حصول با نقش یگانگی صورت بندد و آرزوها از هر دو جانب بسلك یکجتهی پیوندد و از این راه بعد از فرستادن عالیجاه عمده‌الخواین الکبار عسکرخان افشار و عالیشان میرزا علی بیگ را بهمراهی زبده‌الاکابر موسی دوغاردان روانه صوب حضور آن خسرو یگانه [داشتیم] و اکنون که عالیشان زبده‌الاعیان موسی بواسان عازم اداک سعادت حضور بوده از تحریر این یکجتهی نامه

مطلب نگار گزارش امور می‌گردیم. بعون‌الله تعالی سبحانه مجاری مهمات این حدود بر وفق مرام خاطر مهرانگیز و ساغر تمنای دوستان از بادهٔ حصول لبریز است عالیجاه مفخرالاشباه جنرال غاردان خان در حضرت یکجتهی دولتین قاهره تقدیم مهم را با قدمی ثابت و عزمی استوار است و دیگر افیچالها هریک در رکاب بیگانگی شوکتین باهره بانجام کاری سزاوار، پی‌سپار. در اینوقت یک نفر ایلیچی از جانب ینارال گداویج سپه سالار روس باذن و اطلاع پادشاه روسیه وارد این حدود و کارگزاران ما را باستحضار و صوابدید جنرال غاردان با او مقالات و مکالمات اتفاق افتاده جوابی که بدو دادیم همین بوده که کفیل هریک از امور ما آن برادر جلیل است بهر چه نشان قبول نهد ما را رضایت و بهر چه رضا دهد از جانب ما ممضی، بهر که صلح آرد جنگ نجویم و هرکجا شتاب آرد درنگ ما را دل بر هوای اوست و مراد ما رضای او. تفصیل مقالات و جمله مهمات را جنرال مشارالیه علی ماجری لدیه باولیای آن دولت علیه اعلام و اعلان داشته گزارش خطاب و جواب را کماکان نگاشته است. مجملا با دوست و دشمن قول و پیشه ما همین است و همیشه اندیشه ما چنین در نیک و بد هرکار آن برادر نیکو سیر مختار است و مار را در مطاوی این مهم چشم برراه غلام و اشعار و اینمعنی محتاج بتذکار و تکرار نیست پیوند عهد و شرط همان است که بدست یکجتهی و اتحاد بسته‌ایم و در انتظار نتایج و آثار آن نشسته، هرچه پسند رأی صواب آرای آن پادشاه آگاه است مراد و دلخواه ماست. شایستهٔ رسم محبت و دوستی آنست که اغلب اوقات از ارسال مراسلات یگانگی آیات و ارجاع و انواع مهمات خاطر دوستان را قرین بهجت و شادمانی سازند. باقی ایام سلطنت و فرمانروائی مستدام باد.» سند شماره ۹۶

محل مهر فتحعلیشاه

### نامهٔ عسگرخان به ناپلئون

«ثنای شاه جهان ورد شب‌نشینان است  
 دعای دولت او ورد صبح خیزان باد  
 بهر طرف که کشد تیغ یکسواره چو مهر  
 سپاه خصم چو انجم ز هم گریزان باد  
 اقسام باله و آیاته که صبح و شام و ضیفه (کذا) دعای دولت جاوید مدت پادشاه ممالک پناه،  
 ملایک اشتباه؛ مؤید مظفر سعادت یار، نور حدقهٔ شهریاری و نور حدیقهٔ خسروی و فرمان‌گذاری  
 (کذا) خلدالله تعالی زمانه مرتب است و رجا واثق که دهندهٔ مرادات و بخشندهٔ سعادات عمت میامن  
 الاء علی الدوام اسباب ارتفاع لوای در سلک حصول منتظم دارد و آثار مفاخر شهریاری نامدار طراز  
 مآثر ملوک رفیع مقدار گرداناد. چون بر ذمت همت بندگی وفدویت لازم است که همهٔ اوقات بتحریر



عریضه ارادت فریضه پرداخته وجود نبود خود را بر پیشگاه ضمیر منیر تنویر پادشاهی جلوه گر ساخته اظهار عبودیت و بندگی نموده باشد در این هنگام سعادت فرجام که عالیشان زبدة الملة المسيحية کامل عاقل هوشیار موسیو ژوبر عازم و روانه خاکپای توتیاسای اقدس ارفع اعلیٰ میشد لازم دانسته بندگی و فدویت خود را در نظر فیض منظر پادشاه عالم پناه ظاهر و هویدا ساخته از حضرت باری تعالیٰ مسئلت می‌نماید که دائماً فتح و ظفر غاشیه کش و سعادت و نصرت در جلو و عمر دولت روز افزون الی انقراض عالم دایم و قایم باد. استدعا آنکه و تمنا چنان که همه اوقات کمترین غلامان راز گوشه عنایت محو و منسی نفرمایند و گزارشات کمترین بقراریست که عالیشان موسیو ژوبر بعد از شرفیاب حضور زبانی عرض خواهد ساخت. اگر چه اینغلام را آرزو آن بود که خود با چند نفر ملازم در خدمت منازعه و غوغا در خاکپای والا، قیام و اقدام نموده خدمت گزاری خود در نظر انور پادشاهی جلوه گر سازد، از کم طالعی مقدور نگردید امیدوارم که باصدا رقم مبارک مطاع این غلام جان نثار را از خاک مذلت برداشته سر افتخار و مباهات را باوج سموات برافرازد که شاید مس وجود این خاک از تأثیر اکسیر کیمیا اثر رشک فرمای طلای خالص و زر کامل عیار گردد. باقی

باقی مباد که نخواهد بقای تو      عمرت دراز باد برین ختم والسلام»

سند شماره ۹۷ (۱)

### نامه عباس میرزا ولیعهد به ناپلئون

«منت خدای را عز و علا که هرچه هست از گاه الست دست اطاعت بعهد عبادتش داده و ذوات ذرات از بالا و پست گردن طوع بطوق عبودیتش نهاده دارندگان عهدش را از درستی و عدش عیشهای مهنا آماده و مهیاست و پذیرندگان پیمانش را از ترادف احسانش تزیید دولت و نعم بیمتتها، بهر دینی پیغمبری امین فرستاده و بهر ملکی ملکی با تاج و نگین، دلها را از او علاقه الفت است و جانها را از او پیوند محبت رستگاری ده راستکاران، فزونی بخش درست گفتاران، دانای هر پنهان و پیدای، پدید آورنده ارض و سما»

اول او اول بی ابتدا      آخر او آخر بی انتها

نیست خدائی بجز او بی نیاز      اوست خداوند خداوند ساز